

چگونگی ارزیابی علم اقتصاد از محیط زیست

چهار چوب مشخص برای یافتن جوابی خاص مطرح کردند. برای مثال، باید ابتدا به پاسخ‌دهندگان دقیقاً تفهیم کرد که چرا صید ماهی تثن به دلفین‌ها آسیب می‌رساند و چه قوانین یا برنامه‌های این معضل را برطرف می‌کنند.

آنگاه باید از آنها پرسیم که چقدر حاضرند برای این برنامه به اشکال مختلف، نظیر پرداخت مالیات بیشتر یا گرانتر خریدن محصول دریایی هزینه بپردازند. به روبرو بشگردید نه به پشت سر

ارزشیابی منابع طبیعی باید بر اساس علاقه مردم به پرداخت پول برای جلوگیری از خسارات آینده انجام شود و نه پذیرش جبران خسارات انجام شده در گذشته. به نظر محققان گروه فوق‌الذکر این نوع نگرش به آینده، مردم را با واقعیت‌های اقتصادی آشنا می‌سازد. پرسشهایی را که قرار است از مردم بشود باید به نحوی مطرح کرد که پاسخ آنها یک بلی یا نه باشد: مثلاً «آیا می‌خواهید برنامه خاصی که به موجب آن باید X دلار بپردازید، به اجرا درآید؟» ذکر مقادیر مختلف هزینه‌ای که باید مصاحبه‌شونده بپردازد، تعیین نقشه مورد نیاز برای اجرای یک برنامه زیست محیطی را آسان می‌سازد. نباید پرسید برای فلان برنامه چقدر حاضرید بپردازید؟ چون مصاحبه‌شوندگان پاسخ‌های غیرقابل اتکاء می‌دهند.

پاسخ سنجیده

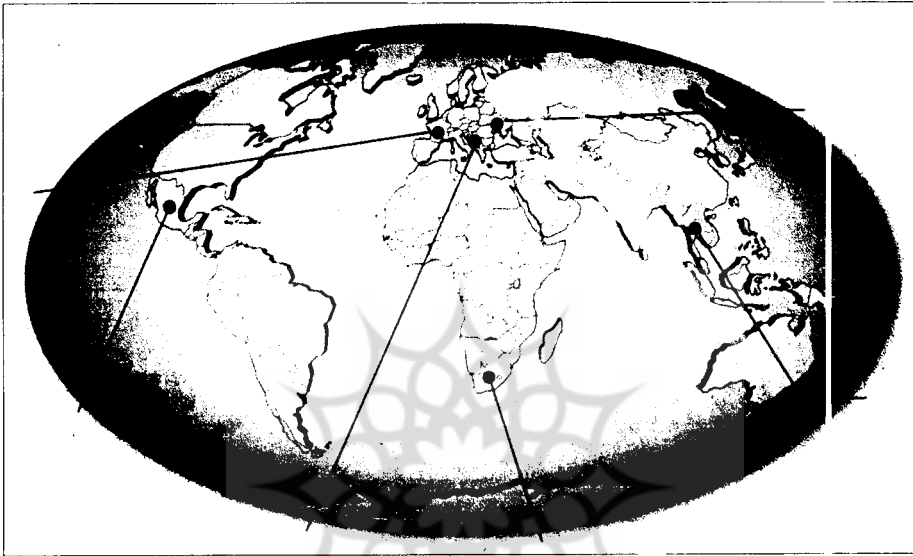
با روشی فوق‌مطالعه اقتصادی با روش (CV) بهبود می‌یابد اما جنجال و جزو بحث پایان نمی‌پذیرد. اقتصاددانان سالهاست که می‌گویند بهترین روش برای قضایات در مورد سلیقه مردم دیدن

جدل کارشناسان محیط زیست و اقتصاددانان پایان نیافته است و حتی در میان خود اقتصاد دانان اتفاق نظر وجود ندارد.

علت این بحث و جدل بسیار ساده است: بسیاری از اقتصاد دانان معتقدند که

هم اغلب جوابگو نیستند. جنگل‌ها مثالهای خوبی هستند. درختان جنگل به عنوان الوار ارزش اقتصادی مشخصی در بازار دارند و اقتصاد دانان با استفاده از قیمت‌های بازار بطور مستقیم آنها را ارزش‌گذاری

مسائل زیست محیطی و یافتن راه‌هایی برای یک زندگی سالم‌تر و ماندگارتر را چگونه باید ارزیابی کنیم؟ بسیاری از اقتصاد دانان جهان امروزه حلی زیربنایی پیشنهاد می‌کنند: از مردم پرسید.



مسائل زیست محیطی یکی از دشوارترین جنگل‌های سیاسی جهان را در اذهان اندیشمندان برپا کرده است. علم اقتصاد آتش‌بیار بسیاری از معرکه‌های این جنگل ذهنی است. اگر اقتصاد دانان از ارزشیابی اقتصادی خسارات وارده بر محیط زیست و تخمین هزینه زندگی در محیطی سالم‌تر و سبزتر دست بکشند، جنگل ذهنی فوق‌الذکر

پاسخ‌های بدست آمده از طریق نظرسنجی هیچ ربطی به واقعیت ندارد. مثلاً شخصی که به مصاحبه‌گر می‌گوید حاضر است برای حفظ پوشش گیاهی تپه‌ای در اسکاتلند ۵۰ دلار بپردازد، شاید در موقع نوشتن چک نظرش تغییر کند. بدون ارتباط مشخصی بین کلام و عمل، تخمین‌های متکی بر روش (CV) ممکن است بی‌فایده باشد.

در سال ۱۹۹۲ گروهی از کارشناسان به رهبری دو برنده جایزه نوبل کنث آرو و ابروت سولو راه‌هایی را پیشنهاد کردند تا به این مطالعات و روشها عمق و دقت بیشتری ببخشند.

رونوس مطالب مطالعه شده در این گروه توسط اقتصاددانی به نام پاول پورتنی شامل در اجمنی بنام منابع آینده در واشنگتن، در شماره پائیز ۱۹۹۴ مجله چشم اندازهای اقتصاد به شرح خلاصه شد:

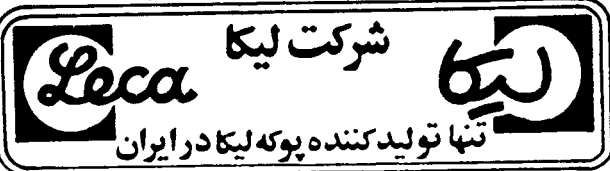
تجزیه و تحلیل سناریوهای (آینده‌نگاری) واقعی استفاده کنید:

می‌کنند. یک جنگل برای تماشا و گردش‌کننده که به قدم زدن در لابه‌لای درختان آن علاقه‌مند هستند، ارزش دارد و می‌تواند بطور غیرمستقیم محاسبه کرد که مردم حاضرند چه مبلغی برای حفظ آن بپردازند. اما یک نکته را هم نباید از نظر دور داشت و آنهم این که درست است که ارزش جنگل را بطور مستقیم و غیرمستقیم می‌توان ارزیابی کرد اما هستند بسیاری از مردم که تصد گردش در جنگل و یا حتی دیدن آنرا ندارند و فقط کافی است بدانند جنگل سرچایش هست.

برای جمع‌بندی این به اصطلاح ارزشزای وجودی جنگل یا پارک ملی، دانشمندان علم اقتصاد بر بررسی افکار عمومی، که آنرا ارزشیابی بخشی از افکار عمومی یا جمعیت (CV) می‌نامند، متکی هستند. در چند سال گذشته با روش ارزشزایی (CV)، طرح‌های زیست محیطی و مقررات مربوط به آن در جناح در محاکم قضایی حل و فصل شدند. اما باید که

فروکش خواهد کرد. اشکال بحث‌ها و جدال‌های بین اقتصاد دانان و طرفداران محیط زیست در این است که طرفین همانند جنگنده بمب افکن‌های جنگل، دوام جهانی ارقام و آمار و تخمین‌ها یا غیر دقیق و کلی به سوی هم هدف‌گیر می‌کنند و نه مانند موشک‌های دقیق امروزین.

ارزوم مربوط به امور زیست محیطی مستعد سوء تعبیر هستند چرا که با کالای نظیر پارک جنگلی، منطقه حفاظت‌شده حیات وحش و کیفیت هوای شهرها سرکار دارند. این کالاها را هم نمی‌توان قیمت گذاشت، خرید و یا فروخت. بنابراین با استفاده از قوانین تجارت بازر نمی‌توان درباره آنها تصمیم گرفت. در بعضی از موارد، اقتصاددانان ارزش کالاهای مذکور را بطور غیر مستقیم تعیین می‌کنند. برای مثال، با مقایسه روشهای مستقیم و غیرمستقیم می‌تواند تخمین بزند که مردم بی‌هوای تمیزتری چقدر باید خرج می‌کنند. تخمین روشهای مقایسه



تنها تولید کننده پوک لیکا در ایران

*** صنایع ساختمانی**

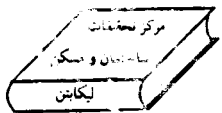


* کاهش هزینه مصرف انرژی

* بالاترین مقاومت بتن با کمترین وزن

* بهترین عایق حرارتی با بیشترین مقاومت

* سبکی ساختمان و مقاومت بیشتر در مقابل زلزله

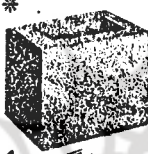


*** جاده - پل - تونل**

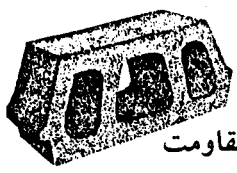
* کاهش رانشهای افقی وعمودی خاک

* کاهش نشست نهایی ۲/۵ تا ۳/۳ برابر کمتر

* وزمان تراکم ۵۰ درصد نسبت به خاک سنتی



*** ویژگی بلوکهای سبک ساختمانی لیکا**



* کاهش هزینه دستمزد از ۱ تا ۱ تا ۱

* کاهش مصرف ملات از ۲ تا ۲ تا ۱

* کمترین وزن فضایی با بیشترین مقاومت

(35 - 40 Kg / cm²)

* ماله کشی راحت با ملات سنتی، مته کاری، میخ کوبی

مطمئن، برش آسان و جابجایی سریع

پرفروش ترین بلوک در

کشورهای بازار مشترک اروپا

با کاربرد فراورده های لیکا استاندارد

ساختمان را بالا ببرید

تهران، خیابان دکتر بهشتی، شماره ۱۶۹، تلفن: ۵-۸۵۵۰۳۱



هزینه های زیست محیطی را بر چه مبنایی باید تعیین کرد؟

مصاحبه ها بیان می کنند. گاهی در بررسیها و پرسش نامه ها ترجیحاتی از سوی طرفداران خیر ذکر می شود که با رفتار معقول منافات دارد. برای مثال، پاسخ دهنده به پرسش نامه ها برای نجات هر تعداد موجود در حال انقراض یک مبلغ ثابت را بخشش می کند.

در یکی از بررسیها پاسخ دهندگان برای نجات ۲۰۰۰ پرنده نادر همان مبلغ را اعطاء می کردند که برای ۲ میلیون قطعه از همان پرنده! البته شکل تنظیم پرسش نامه و برنامه های عنوان شده در مقدار پولی که پاسخ دهندگان به پرسش نامه می بخشند مؤثر است.

بسیاری از اقتصاددانان چه سبز و چه سی اعتنا در برابر محیط زیست معتمدند که چنین اختلاف نظرهایی در میان پاسخ دهندگان روش ارزشیابی (CV) را بی اعتبار می سازد. اما مخالفان این دسته از اقتصاددانان می گویند که پاسخ دهندگان پرسش نامه ها دچار سردرگمی هستند و نمی دانند که عناصر مسائل محیط زیست در آزمایشات و تجربیات خیالی پیشنهادی ممکن است تفاوت کند. اگر این استدلال صحیح باشد پس نه تنها باید پرسش نامه ها را اصلاح کرد بلکه باید توضیحات همراه آنرا هم دگرگون ساخت.

هزینه مقررات سالم سازی محیط زیست بسیار هنگفت است. برای مثال مؤسسه حمایت از محیط زیست آمریکا در ۱۹۹۰ تخمین زد که این کشور ۱۳۰ میلیارد دلار صرف تنظیم مقررات محیط زیستی نموده است. برای آنکه دولتها بتوانند تصمیمات معقولی در زمینه محیط زیست بگیرند باید سود درازمدت ناشی از آنرا مورد ارزشیابی اقتصادی قرار دهند. در بسیاری موارد بررسیهای مغشوش اما دمکراتیک بهترین گزینه برای کارشناسان مطلع اما ستبد و خود رأی است. از شهروندان می توان پرسید که کدام روش را ارجح می نهند؟ اما برآستی آیا باید پاسخ آنها را باور داشت؟

آیا آنها، یعنی تک تک شهروندان از منافع دراز مدت باخبرند؟
 ناخذ: اکونومیست، ۳ دسامبر ۹۴
 ترجمه و گزارش: ...

رفتار آنهاست. در واقع، بسیاری از اقتصاددانان مغرورانه اعتقاد دارند که این روش «مشاهده رفتاری» آنها را از سایر پژوهشگران رشته های علوم انسانی متمایز می سازد.

رای دادن در مورد ارزشیابی (CV) باید بر اساس شواهد باشد. اما تا به حال، حتی در مورد واقعیتها اختلاف نظر وجود دارد. دو مقاله دیگر توسط اقتصاددانان در همان شماره مجله «چشم اندازهای اقتصاد» درباره درستی ارزشیابی به روش (CV) نوشته شده است. مایکل هانمان یکی از دو اقتصاددان به مطالعاتی اشاره می کند که تخمین های (CV) را در طیف وسیعی از موضوعات (نه همه مسائل زیست محیطی) بدست آمده از روشهای دیگر مقایسه می کند.

در یکی از مطالعات دو گروه شکارچی گوزن را مورد بررسی قرار دادند. به یک گروه اجازه داده شد تا با پرداخت قیمتی معین به شکار گوزن بپردازند و از گروه دیگر خواسته شد تا با پرداخت ارزشی که خودشان برای یک گوزن قائلند پول بپردازند. ارزشهای فرضی خیلی به واقعیت نزدیک بودند. گروه مطالعه کننده با چندین مورد مطالعه دیگر نیز به همین نتیجه رسیدند.

اما مخالفان به بررسیهایی اشاره می کنند که منظور آنها را برآورده می سازد. در مقاله دیگری پتر دیاموند و جری هازمن شواهدی را نقل می کنند که بر پایه آنها مبلغی که طرفداران محیط زیست عملاً می پردازند یک دهم مقداری است که در پرسش نامه ها